

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلی الابهی

فی الحقیقه امروز ذکر و ثنا اهل وفا را لایق و سزا که ضوضاء غافلین و نفاق ناعقین و شبهات مشرکین و اشارات معرضین ایشان را از نور مبین منع ننمود مع آنکه اشراقات انوار آفتاب ظهور عالم را احاطه نموده و آیاتش مدن و دیار را مزین فرموده بر هر علمای علم ظهور مرتفع و از هر جهتی ندای مکلم طور ظاهر مجدّد بعضی از غافلین بقدّم اول راجع سبحان الله اصبع قدرت حجبات را خرق فرمود و سبحات را از هم درید مع ذلک ناعقین مجدّد بر آند ناس بیچاره را بحجبات اغلط از حجبات قبل و سبحات اعظم از سبحات قوم مبتلا نمایند عبده اوهامند و خود را از اهل توحید میشمزند عاکف اصنامند و خود را از اهل عرفان میدانند انسان متحیر چه که کل بچشم خود مشاهده نموده‌اند و بگوش خود اصغا کرده‌اند که آنچه را حزب شیعه از قبل بآن ناطق و مشغول وهم صرف بوده و ظنّ بحث در قرون و اعصار بر منابر بسب و لعن یکدیگر ناطق بشأنیکه عروق اعناق بمثابه سنان ظاهر و چون فجر اراده مالک احدیه دمید و آفتاب حقیقت اشراق فرمود کل از عالم و جاهل در سنه اولی بر مولی الوری قیام نمودند بشأنیکه اهل جنت علیا نوحه نمود بالاخره آن گروه بی‌انصاف فتوی دادند و بر سفک دم مطهرش قیام نمودند تا آنکه واقع شد آنچه که عین حقیقت گریست این نبود مگر ثمرات اعمال نالایقه و افعال کذبیه حال باید حزب بیان یعنی نفوسیکه اعراض نموده‌اند بانصاف و عدل در عاقبت حزیکه خود را اعلی الامم میدانستند تفکر نمایند که آن نفوس چه ثمر اخذ نمودند که مجدّد این نفوس بر قدم آن نفوس سالک اعاذنا الله و ایاکم من شرّ هؤلاء فی الحقیقه آن نفوس غافلند چه که از اصل امر مطلع نبوده‌اند و از نفوسیکه آگاه بوده‌اند سؤال نمینمایند ینبغی ان اذکر ما انزلہ الرحمن فی الفرقان قوله تعالی ذرهم فی خوضهم یلعبون و الصلوة و السلام و التکبیر و الثناء علی الذین شربوا ریحی الاستقامة علی شأن نبذوا العالم عن ورائهم قائمین علی امر الله رب العالمین و الحمد له اذ هو مقصود العارفين و محبوب المخلصین

سبحانک یا من باسمک ظهرت الاسرار و جرت الانهار و نصبت رایات التوحید و ارتفعت اعلام التجرید اسئلک بالکلمة الّتی بها خلقت الکائنات و ذرئت الموجودات بان تعرف عبادک ما ینفعهم فیکلّ عالم من عوالمک و علمهم ما غفلوا عنک فی ايامک اشهد یا الهی بانک اوضحت السبیل و ابرزت الدلیل و انزلت الآیات و اظهرت البیّنات طوبی لنفس وجدت عرف آیاتک و اقبلت الیک و سرعت الی افقک الاعلی المقام الذی لا یدکر فیہ الا نفسک یا مولی الوری و مالک الآخرة و الاولی ای ربّ اسئلک بامواج بحر رحمتک و اشراقات انوار شمس فضلک بان تؤیّد عبادک الغفلاء علی الرجوع الی ساحة عزّک و الورد فی بساط عظمتک ای ربّ لا تخییهم بجودک و کرمک و لا تمنعهم عن سماء عطائک ثمّ اسئلک یا الهی بان تؤیّد حزبک الذین ما نقضوا عهدک و میثاقک و قاموا علی ذکرک و ثنائک و خدمه امرک علی اظهار ما عندک و انزلته فی کتابک لعلّ بذلک ینتبهن الرّاقدون و یرجعون الیک و یتمسکون بحبل جودک و یتشبّثون باذیال رداء عفوک انک انت التّوّاب الغفور الکریم

نامه آنجناب مدّتی قبل باین خادم فانی رسید گواهی بود آگاه و شاهدهی بود صادق بر توجّه و اقبال آنجناب بافق اعلی حبّذا عرف محبّت محبوب عالمیان از او متضوّع از حقّ جلّ جلاله این خادم فانی سائل و آمل که لا زال این عرف متضوّع باشد و این نسیم در مرور و بعد از قرائت و اطلاع قصد مقام اعلی نموده تلقاء وجه بعد از اذن عرض شد و بشرف اصغا فائز گشت قوله جلّ جلاله

بسمی المشرق من افق ملکوت البرهان

یا ایّها المقبل الی الافق الاعلی عبد حاضر بکتابت حاضر لدی الوجه قرائت نمود هر کلمهئی از کلمات آن مدل و مشعر بود بر اقبال و توجّه از حق میطلبیم آنجناب را مؤیّد فرماید بشأنی که ناس را از اوهام ناعقین محفوظ دارد لعمری مجدّد بتعمیر مدن و دیار ظنون و اوهام مشغولند منقطعاً عن العالم بر تربیت امم قیام نمائید از این کلمه تعجّب منما لیس هذا علی الله بعزیز همّت را بزرگ نما و بخدمت مشغول باش امروز باب اعظم مفتوح و بحر ظهور مّوّاج و مکلمّ ناطق در پستی نفوس معرضین تفکّر نمائید حق برایات آیات و جنود وحی و الهام از افق سماء مشیّت ظاهر و باهر و آشکار و معادل جمیع کتب سماوی بل ازید از قلم اعلی نازل مع ذلک باوهامات قبل مشغول و بکلمات مجمع امّ القری ناطق و ذاکر اگر این امر اعظم و نبأ عظیم را انکار نمایند بچه حبل متمسک و بچه ذیل متشبّث میشوند اینمظلوم در ایامیکه جمیع افتده و قلوب مضطرب و فرائض اهل بیان از سطوت امرا و ضوضاء علما مرتعد بر امر قیام نمود قیامیکه کل بر آن شاهد و گواهند و باعلی النّدا کل را بافق اعلی دعوت نمود مع ذلک از نفوس معرضه وارد شد آنچه که اهل مدائن معانی و بیان گریست سوف یرون جزاء ما عملوا ان ربّک هو العلیم الخبیر در هر حال از مطلع کرم و مخزن جود و مشرق رحمت الهی طلب نمائید عباد غافل را بر رجوع تأیید فرماید که شاید بر آنچه از ایشان فوت شده قیام نمایند ان ربّک هو الغفور الرحیم افرح بذکری ایّاک و اقبالی الیک من شطر سجنی البعید انا انزلنا لک من قبل و فیهذا الحین ما یقرّیک الی الله ربّ العالمین

قل یا ملاًّ البیان خافوا الله و لا تقولوا ما لا قاله الاولون ارحموا علی انفسکم و انفس العباد تالله قد ظهر من کان مکنون فی ازل الازال و انزل ما کان مخزوناً فی علم الله العلیم الحکیم قد ظهرت رایات البرهان و خضعت لها آیات الامکان یشهد بذلک من ینطق انه لا اله الا انا المظلوم الغریب خذ کأس العرفان باسم ربّک الرحمن رغماً لاهل البیان الذین نقضوا میثاق الله و عهده و قاموا علی الاعراض بظلم مبین قد کنت مذکوراً لدی الوجه نسئل الله ان یؤیّدک علی حفظ هذا المقام العزیز الرّقیع کبر من قبلی علی وجوه الذین نسبهم الله الیک و بشرهم بذکری ایّاهم فی سجنی الاعظم و ذکرهم بما نزل من ملکوت بیانی البدیع البهّاء المشرق من افق سماء فضلی علیک و علی الذین شربوا ریحیق الاستقامة من هذه الکأس الّتی خضعت لها البحار و تمسکوا بهذا الحبل الّذی تمسک به المقرّبون الحمد لله ربّ ما کان و ما یرکون انتهى

اینعبد بلکه اشیا کل متحرّیر و مبّهوت چه که مشاهده میشود اسبابیکه یوم قبل فسادش ظاهر حال مجدّد بهمان اسباب متمسک و متشبّثند یا لیت القوم یعلمون مجمعی در منشاء بمثابة مجمع امّ القری مجتمع باعتراضات آنمجمع بل اعظم و اکبر قیام نموده اند نوشتهئی باسم چهار نفس نوشته و بخاتمها مختم نموده ارسال داشته اند سبحان الله آیا آن نفوس لوح رئیس را ندیده اند و یا الواح ملوک رانخوانده اند و یا کتاب اقدس را نشنیده اند امورات بعد کل از قبل از قلم اعلی بکمال تصریح نازل بعد از ورود مکتوب اینعبد مدّتی متحرّیر از یکجهت مشاهده شد این مکتوب قابل عرض نیست و از جهت دیگر ملاحظه شد شاید در ستر آن تقصیر واقع شود لذا متوکلاًّ علی الله توجّه بساحت امنع اقدس نموده و بعد از اذن تمام آن عرض شد جواب از سماء مشیّت الهی نازل امید هست آنجناب بملاحظه آن فائز شوند صد هزار افسوس که این حزب هم ادراک نمودند آنچه را که لایق و سزاوار یوم الله است و اینکه ذکر منتسبین را فرموده بودند هر یک در ساحت امنع اقدس مذکور و بفیوضات فیاض حقیقی فائز بعد از عرض اینفقره اینکلمات عالیات از ملکوت بیان رحمن نازل قوله تعالی

بسمی المشفق الکریم

یا ایّها الناظر الی الافق الاعلی انا سمعنا ذکرک و ثنائک و رأینا اقبالک و توجّهک الی الله مولی الانام طوبی لاذن فازت باصغاء النداء و لعین رأّت الافق الاعلی و لید اخذت ما نزل من سماء عنایة ربّک مالک الرقاب قد شهدت کتب الله لهذا الکتاب الذی نطق امام وجه العالم انه لا اله الا هو العزیز الوهاب قد خسر الذین نبذوا کتاب الله عن ورائهم متمسّکین بالظنون و الاوهام قل تالله قد انجذبت افئدة المخلصین من الآیات المنزلة من سماء الفضل اتقوا الله یا ملأ البیان و لا تكونوا من الذین کفروا اذ اتی الرحمن بقدرة و سلطان قد ظهر کلّ ما سمعتموه من افق ارادتی و اشرق نیر البرهان من هذا المقام الذی جعله الله مطاف الملأ الاعلی و الذین طافوا العرش فی العشیّ و الاشرار قل ایّاکم ان تمنعکم شبهات القوم عن الحقّ او تحجبکم اشارات الذین غفلوا عن الامر بما اتبعوا کلّ مشرک مرتاب کم من عالم منع عن کوثر الحیوان و کم من جاهل سمع و سرع و قال لک الحمد یا منزل الآیات کم من عبد اعرض عن الوجه و کم من امة سمعت و اجابت ربّها المهيمن علی من فی الارضین و السموات انّ الفضل فی یمینه و العدل فی قبضته یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو الامر الذی بامرہ اشرق نیر القوة من افق الاقتدار کذلک جرى من قلم الرحمن ماء الحیوان طوبی لمن اخذ و شرب و ویل لكلّ ملحد مکّار الذین نقضوا عهد الله و میثاقه و کفروا بالذی آمنوا به الا انّهم من اهل الضلال

قد حضر لدى المظلوم الاسماء الذین نسبهم الله الیک و انزلنا لكلّ واحد منهم ما یجد منه المقرّبون عرف عنایة ربّک مالک الایجاد ذکرهم من قبلی و بشرهم بما نزل لهم ما لا یفنی بدوام اسمائی الحسنی یشهد بذلك من عنده علم الکتاب انا نوصیهم بالاستقامة الکبری و بما ینبغی لایام ربّهم مالک المآب البهاء علیک و علیهم و علی الذین کسروا اصنام الاوهام بقدرة من لدى الله مظهر البینات انتهى

له الحمد و المنة و له الفضل و العنایة فضله اظهر من الشمس فی وسط السماء فضلش ظاهر و عنایتش باهر بشائیکه احتیاج بعرض اینفانی نبوده و نیست ایکاش عباد غافل بیصر انصاف و اذن عدل در آنچه نازل شده و ظاهر گشته مشاهده مینمودند و تفکر میکردند اینست مقام تفکریکه فرموده اند یک ساعت آن بهتر از عبادت هفتاد سنه است

انشاء الله آنجناب بهمت تمام بر امر مالک انام قیام نمایند که شاید مثل قبل بمرض کوری و کری مبتلا نشوند و از بثر اوهام و ظنون محفوظ مانند بیش از این زحمت نمیدهم و خدمت هر یک از منتسبین ذکر تکبیر و سلام موقوف بانجنابست التّکبیر و السلام و البهاء علی جنابکم و علی الذین ما منعهم شبهات القوم عن الله ربّ العالمین و الحمد له اذ هو مقصود العارفين